

متن پرسش

سلام استاد همه تو سایت از شما سوال میکنم ،من تصمیم گرفتم یه شعر در باره اهل بیت براتون بفرستم. ایشالله که مورد پسند باشه و من رو دعا کنید. طی میکنیم سمت ملاقات جاده را شاید کسی سوار کند این پیاده را وقتش رسیده است که با گریه ریختن جبران کنید توبه ی از دست داده را تکریم دیگری است همین امتناع ها پس شکر میکنیم عطای نداده را ما در رکوع نافله با آبروتریم اصلاً نخواستیم تن ایستاده را خُدام آستان همیشه جلوترند یا رب نگیر خدمت این خانواده را مکه شرافتش به حضور محمد است پس قصد میکنیم فقط مکه زاده را گر بی علی بناست که این راه طی شود مگذار پس مقابل ما راه جاده را ما درب خانه ای به جز این در نمیرویم ما بی علی کنار پیمبر نمیرویم خوان کریم خالی و بی نان نمیشود فقر گدا حریف کریمان نمیشود گویی نمی برد ز عنایت سعادتى آنکه اسیر زلف پریشان نمیشود این چه حکایتی است که اصلاً برای ما مبعث بدون شاه خراسان نمیشود از برکت دعای رسول است هیچ جا در دوستی فاطمه ایران نمیشود مبعث نتیجه ای ز کرامات حیدر است هر آنکه بی ولاست مسلمان نمیشود یکبار یا نبی و دگر بار یا علی یا مصطفی بدون علی جان نمیشود چون شرح زندگانی مولاست خواندنیست ورنه کسی که پیرو قرآن نمیشود جبریل علی ، وحی علی و زبان علیست قرآن بخوان رسول، که قرآن همان علیست مبهوت مانده است تماشای خویش را روح بلند و جلوه ی والای خویش را سوگند میخوریم همه ترک میکنیم بردارد از بهشت اگر پای خویش را اصلاً همان زمان چهل سال پیش هم اثبات کرده بود بلندای خویش را آنکس امام ماست که در لیلۃ المبیت وقتی که رفت داد به او جای خویش را او ماندنی نبود اگر پُر نکرده بود با مرتضی و فاطمه دنیای خویش را از دیدن تجلی خود دست میکشید میدید تا تجلی زهرای خویش را یا فاطمه و یا که علی جلوه میکند وقتی نشان دهد قد و بالای خویش را نور است و در تن سه نفر جلوه کرده است این نور قبل خلق بشر جلوه کرده است ای خاک پای توست تمام وجودها هفت آسمان و خلقت گنبد کبودها ای کیسه ی همیشه کرامت میان شهر آقای مهربانی و آقای جودها آری نماز بی تو به قرآن قبول نیست ای اولین سلام همه در قعودها جبریل ما چگونه تورا پا به پا شود درماندگی کجا و مسیر صعودها قربان چشم های تو دار و ندارها قربان خاک پای تو بود و نبوده شکرخدا قبیله ی توکامل است و بس کوری چشم عایشه ها، این حسود ها ما باتوایم و با همه ی خانواده ات عالم فدای زندگی صاف و ساده ات از ما مگیر تاب و تب شور و شین را حُبِ علی همان شرف نشأتین را از ما مگیر شوق سفرهای تا نجف مکه ،مدینه ،سامره و کاظمین را با حب خانواده ی تو سالهای سال بخشیده اند آبروی عالمین را ما نذر کرده ایم که بیرون بیاوریم از زیر دین، این جگر زیر دین را ما قصد کرده ایم به

یاری فاطمه نائل شویم کرب و بلاى حسین را بوسه مزن کنار تمنای دخترت زیر گوی کوچک این نور
عین را وای از دمی که زینب کبری رسیده بود وقتی رسیده بود که حنجر بریده بود. (شعر از علی اکبر
لطیفیان)

متن پاسخ

باسمه تعالی: علیکم السلام: سرور گرمی زیباترین نگاهت را که به مولایمان علی «علیه السلام» و
فاطمه ی زهرا «سلام الله علیها» به ما هدیه کردی سپاس می گوئیم. امید است که یک لحظه از راهی که
به محبت این خاندان ختم می شود جدا نباشید. موفق باشید.